

## بابک صحرائی، کارگردان:

## به حضور پر فورمنس در نمایش بسیار معتقدم

فانتزی روایت می‌کند تا بتوانم این هم آغوشی فلسفه، تاریخ و جامعه امروز و مباحث روانشناختی را داشته باشم. فرض کنید که چنگیز خان و هیتلر و ناپلئون در کنار یک سری در اکولا قرار گرفته‌اند بعد ما به نیچه و فروید و فروغ و شاملو در متن بر می‌خوریم به تاثیر هوش مصنوعی بر زندگی انسان امروز و مباحث دیگر و برای هم آغوشی و ادغام همه این عناصر به این نتیجه رسیدیم که باید وارد یک جهان فانتزی شوم تا بتوانم با قرار دادهایی که در این جهان فانتزی به مخاطب ارائه می‌دهم بتوانم روایت درستی از داستان و موضوعاتی که در ذهن داشتم به اجرا در آورم. بدین جهت در این جهان فانتزی وجه طنز را بر جسته کردم تا بتوانیم شکل روایت جذابتری داشته باشیم هر چند که طنز پوسته بیرونی اثر است مثلا چنگیز خان و هیتلر دیالوگ‌هایی دارند که ظاهر طنز دارد اما در نهاد و ژرفا طنز نیست.

## بخش قابل توجهی از اثر با موسیقی و پر فورمنس‌هایی که بر آن اساس اجرامی شوند پیش می‌رود در مورد این ابعاد نمایش بگویید.

من به حضور پر فورمنس در نمایش بسیار معتقدم و اثر نمایشی را بدون پر فورمنس نمی‌بینم به همین خاطر در همه آثارم پر فورمنس نقش پررنگی دارد و بخشی مهمی از روایت اثر و انتقال مفهوم توسط پر فورمنس و موسیقی انجام می‌شود در خانه در اکولا نیز این گونه است. طراحی حرکت و پر فورمنس این نمایش را محسن گوردزی انجام داد که از برترین و بهترین چهره‌های این بخش است به همراه دستیارشان خانم مریم صدیقی و واقعا همکاری با محسن گوردزی برای من بسیار شیرین بود و به نظرم یکی از بزرگترین اساتید این عرصه هستند.

## ملاوه بر پر فورمنس، ترانه‌ها نیز بخشی از هسته‌های روایت داستان را انجام می‌دهند.

بله از آنجایی که خودم به عنوان ترانه‌سرا حضور پررنگی در عرصه هنر داشتم و طی ۲۴ سال گذشته بیش از هزار ترانه از من منتشر شده در این اثر نیز مثل اثر پیشینم ترانه نقش بسیار مهمی دارد و درست مانند پر فورمنس بخشی از روایت اثر را بر عهده می‌گیرد و اینجا ترانه حکم یک زنگ تفریحی و تزیین را ندارد و ترانه و موسیقی و پر فورمنس با هم این بعد روایی اثر را انجام می‌دهند.

اینکه تا حدی زهر این مسائل را نیز بگیرم این موضوعات را در دل داستانی قرار دادم که وجه طنز برجسته‌ای دارد و از طرفی موسیقی و ترانه نیز در آن برجسته است و در کلیت به خانه در اکولا رسیدم که مادر آن جهان امروز را مرور می‌کنیم.

## در رابطه با انتخاب کارگردان باز بگویید.

برای من همیشه مهم است که در همه نمایش‌ها با بازیگران توانمند کار کنم بازیگرانی که از آگاهی و دانش مناسبی در زمینه‌های مختلف هنری برخوردار باشند چون فکر می‌کنم متنی که می‌نویسم نیازمند این است که بازیگرش نیز دانش و اشراف اطلاعاتی مناسبی نسبت به آن داشته باشد تا بتواند ارتباط مناسبی با متن برقرار کند و همیشه معتقدم بازیگر توانمند جدا از توانمندی‌هایی مثل بیان و بدن و... که مشخصا مخصوص بازیگری است باید بازیگری با مطالعه، با سواد و دانش باشد تا بتواند مواجهه در دست‌تری با نقش و متن داشته باشد مخصوصا در اثری مثل خانه در اکولا که شخصیت‌های تاریخی را در آن می‌بینیم شخصیت‌هایی مثل هیتلر، ناپلئون، استالین، چنگیز خان مغول، نمایشی که ریشه‌های فلسفی همینطور و جوهر روانشناختی دارد مثلا در بخش‌هایی به نیچه، هگل و فروید می‌پردازیم به همین دلیل سراغ بازیگرهایی رفتیم که می‌توانند ادراک و کشف و شهود مناسبی در رویکردشان نسبت به این پرسوناژها داشته باشند و از نتیجه کار نیز راضی هستیم.

همه ابعادی که گفتید در یک بستر فانتزی از لحاظ دکور، نور، لباس و... قرار گرفته است. از دلایل انتخاب این بستر فانتزی برای مطرح کردن این مباحث بگویید.

من باید این داستان را در یک جهان

## از چگونگی شکل‌گیری ایده نمایشنامه و پرورش آن بگویید؟

خانه در اکولا بر آید یک سری دغدغه‌های اجتماعی و فلسفی من است که سال‌ها با من همراه بوده، مباحثی مانند فلسفه وجودی انسان، اینکه در مقاطع مختلف زمانی اشتراکات زیادی بین انسان‌ها وجود دارد و همینطور مبحث تکرار اتفاقات تاریخی و تاثیرشان روی سر نوشت انسان‌ها، من همیشه فکر می‌کنم هر انسانی در درون خودش جنایتکار یا گرگی دارد، برخی از ما این جنایتکار و گرگ درونمان را کنترل کرده و افسار می‌زنیم و برخی نه، به نظرم هر انسانی درونش یک هیتلر یا چنگیز خان دارد نه به این معنی که انسان تبدیل به جنایتکاری شود که به صورت عام دست به جنایت بزند بلکه می‌خواهم به آن رذایل فکری و اخلاقی اشاره کنم. می‌توان گفت که انسان امروز همچنان گرفتار معضلات و دغدغه‌هایی است که در تمام طول تاریخ به اشکال مختلف با آن مواجه بوده مثلا بحث بی‌عدالتی، ظلم، دروغ، خیانت، توطئه و... همانگونه که شکسپیر می‌گوید موضوعات جاری در زندگی بشر همیشه موضوعات ثابتی هستند. امروز انسان به جایی رسیده که نمادهای خونریزی، وحشی‌گری و بی‌رحمی حتی در اکولا در برابر انسان حرفی برای گفتن ندارند همانگونه که در یکی از دیالوگ‌های نمایش اشاره می‌کنیم که مگر هر در اکولا چند انسان را در طول حیاتش می‌کشد اما ما انسان‌ها در زندگی عادی مان، در تصادفات و موقعیت‌های مختلف بدون آنکه به چشم بیاید یکدیگر را از بین می‌بریم. در نهایت مجموعه این‌ها و فلسفه وجودی انسان که در نمایش مدام به آن اشاره می‌شود، همینطور بحث مکاتب فکری مختلف که در طول تاریخ به وجود آمدند و همه این ایزم‌ها که هیچ کدام باعث آگاهی انسان نشد و تعداد انسان‌هایی که با این مکاتب مورد سوء استفاده قرار گرفتند خیلی بیشتر از کسانی است که با این مکاتب به آگاهی رسیدند، مرا به نمایش خانه در اکولا رساند و من سعی کردم به همه این‌ها یک وجه طنز نیز بدهم و با نگاه طنز آمیز برای



## گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «خانه در اکولا»

## یک کمدی فانتزی خونین

مریم عظیمی  
گفت‌وگو

خانه در اکولا نمایشی به نویسندگی و کارگردانی بابک صحرائی، ترانه‌سرای نام‌آشنای عرصه هنر و موسیقی است که در تالار حافظ روی صحنه می‌رود. در این نمایش که بازیگران شناخته شده‌ای مانند فرزاد حسنی، آرش فلاحت‌پیشه، ریحانه سلامت و... به ایفای نقش می‌پردازند در فضایی فانتزی موقعیت‌های کمیکی ایجاد و یکسری کلیشه‌های فلسفی به چالش کشیده می‌شود. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

